



رابطه بین هوش معنوی و هوش فرهنگی با شخصیت و مثبت اندیشی در زنان و مردان ۲۰ الی ۵۰ ساله در شهر تهران در سال ۹۸

ظاهره نوروزی کینچاه

کارشناس ارشد روانشناسی شخصیت، دانشگاه آزاد واحد علوم تحقیقات تهران

چکیده

مطالعه حاضر با هدف بررسی رابطه بین هوش معنوی و هوش فرهنگی با شخصیت و مثبت اندیشی در مردان و زنان انجام شده است. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه زنان و مردان ۲۰ تا ۵۰ ساله در شهر تهران در سال ۹۸ بودند که ۳۰۰ نفر از آنها به روش نمونه گیری تصادفی خوشه ای چند مرحله ای انتخاب شدند. در مرحله بعد پرسشنامه های هوش معنوی کینگ، هوش فرهنگی، شخصیت گولدبرگ و مثبت اندیشی به عنوان ابزار پژوهش در مورد هر یک از آزمودنی ها اجرا شد. در پایان داده های جمع آوری شده با استفاده از روش های آمار توصیفی و استنباطی (ضریب همبستگی پیرسون) به وسیله نرم افزار SPSS 22 مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. یافته های به دست آمده نشان داد بین هوش معنوی و هوش فرهنگی در زنان ($r=0/91$) و مردان ($r=0/79$) رابطه معنادار وجود دارد. همچنین بین هوش معنوی و هوش فرهنگی با ویژگی های شخصیتی (در مولفه های برون گرایی، توافق، وظیفه شناسی، ثبات هیجانی و گشودگی به تجربه) در زنان و مردان رابطه معنادار وجود دارد. بین هوش معنوی با مثبت اندیشی در زنان ($r=0/91$) و مردان ($r=0/86$)، بین هوش فرهنگی با مثبت اندیشی در زنان ($r=0/99$) و در مردان ($r=0/63$) رابطه معنادار وجود دارد. بین ویژگی های شخصیتی در تمامی مولفه های آن با مثبت اندیشی در زنان و مردان رابطه معنادار وجود دارد. به طور کلی، یافته های پژوهش، بیانگر رابطه مثبت و مستقیم، بین تمامی متغیرها در هر دو جنس می باشد. هر چه میزان هوش معنوی و فرهنگی افزایش یابد، میزان مثبت اندیشی در زندگی رشد خواهد یافت و همچنین شخصیت و مولفه های آن نیز نقش پیش بین بر مثبت اندیشی دارند و بر هوش معنوی و فرهنگی تاثیر گذار هستند.

واژگان کلیدی: هوش معنوی، هوش فرهنگی، شخصیت، مثبت اندیشی.



مقدمه:

هوش به عنوان یک توانایی شناختی در اوایل قرن بیستم از سوی آلفرد بینه مطرح شد؛ اما در دودهمه اخیر مفهوم هوش به حوزه‌های دیگر گسترش یافته است. سالووی بیان کرد هوش انسان متشکل از مجموعه محدودی از قابلیت های شناختی نیست؛ بلکه جنبه هیجانی نیز در آن مطرح است (فقیه آرام و همکاران، ۱۳۹۷). هوش اغلب به عنوان یک فاکتور اصلی ایجاد تفاوت در یادگیری و عملکرد در نظر گرفته میشود (مودی، ۲۰۰۷). همچنین هوش از ابعاد مختلفی تشکیل شده، از ابعادهای هوش، هوش معنوی و هوش فرهنگی می باشد (گین و پواهیت، ۲۰۰۶). هوش مفهومی است که از دیرباز آدمی به پژوهش و تفحص در مورد ابعاد، تظاهرات، ویژگی ها و انواع آن علاقه مند بوده است. هوش معنوی عبارت است از خود آگاهی عمیقی که در آن فرد هرچه بیشتر از جنبه‌های درونی خود آگاه می شود. هوش معنوی توانایی به کارگیری و بروز ارزشهای معنوی است؛ به گونه ای که موجب ارتقای کارکرد روزانه و سلامت جسمی و روحی فرد می شود (فقیه آرام و همکاران، ۱۳۹۷). هوش معنوی از روابط فیزیکی و شناختی فرد با محیط پیرامون خود فراتر رفته و وارد حیطه شهودی و متعالی دیدگاه فرد به زندگی می گردد و همین مسئله پاسخ به سوالاتی همچون من کیستم؟ چرا اینجا هستم؟ و چه چیزی مهم است؟ برای انسان روشن می سازد تا فرد در نهایت بتواند با کشف منابع پنهان عشق و لذت که به گونه ای نهفته در زندگی آشفته و پر استرس و روزمره می باشد، به خود و دیگران کمک کند. (رئسی، ۱۳۹۶).

برخورداری از یک گرایش معنوی به زندگی از رفتارهای نا سازگار و نامطلوب شخصی و اجتماعی جلوگیری می کند. روانشناسان معتقداند انسان برای رسیدن به کمال و خود شکوفایی تلاش می کند و این نیاز فطری در همه انسانها است و اگر انسان از لحاظ معنوی سالم باشد در محدوده سلامت روانی احساس زنده بودن، هدفمندی و رضایت خواهد کرد (حسینی و اجاری، ۱۳۸۲). اهمیت معنویت و رشد معنوی در انسان در چند دهه گذشته، به صورتی روز افزون توجه روانشناسان و متخصصان بهداشت روانی رابه خود جلب کرده است. پیشرفت علم روان شناسی از یک سو، و اهمیت پویا و پیچیده جوامع نوین از سوی دیگر، موجب شده است که نیازهای معنوی بشر در برابر خواستها و نیازهای مادی اهمیت بیشتری یابند.

از طرفی امروزه به دلیل افزایش ارتباطات جهانی و ایجاد شرکت های چند ملیتی و نیز تنوع فرهنگی، افزایش دانش و مهارت بشر برای روبه رو شدن با تعارضات و درگیری های موجود در یک جامعه جهانی، از الزامات قطعی قلمداد می گردد (تری یانندیس، ۲۰۰۴). جهانی که در آن زندگی می کنیم در مقایسه با جهان سه یا چهار دهه پیش، واجد خصایصی شده که آن خصایص اقوام، ملیت ها، ادیان و مذاهب، نژاد ها، زبان ها و به طور کلی فرهنگ ها و خرده فرهنگ های مختلف را در مواجهه با یکدیگر قرار داده است (یزدخواستی و همکاران، ۱۳۹۰). فرهنگ های مختلف و حتی در خرده فرهنگ هادر درون یک فرهنگ ملی طیف وسیعی از احساسات و عواطف وجود دارد. به نحوی که تفاوت در زبان، قومیت، سیاستها و بسیاری از خصوصیات دیگر می تواند به عنوان منابع تعارض بالقوه ظهور کند و در صورت نبودن درک صحیح، توسعه ی روابط کاری مناسب را با مشکل مواجه سازد (تری یانندیس، ۲۰۰۶)

در محیط های کاری متنوع قرن حاضر، لازم است استرس های ناشی از شوک فرهنگی و اختلالات و پیامدهای ناشی از تعارضات فرهنگی به نحو مطلوب اداره شود. برخی از جنبه های فرهنگ از جمله هنر، موسیقی و سبک رفتاری را به



راحتی می توان دید. اما به شتربخش های چالش برانگیز فرهنگ، پنهان است. عقاید، ارزش ها، انتظارات، نگرش ها و مفروضات، عناصری از فرهنگ هستند که دیده نمی شوند اما بر رفتار افراد مؤثرند و گاهی موجب تعارضات و تناقضات کاری می شوند. برای این منظور به سازگاری و تعدیل مؤثر فرهنگ ها نیاز است. یکی از عواملی که در این زمینه بسیار مورد توجه قرار گرفت و عامل تعدیل کننده لقب گرفته است، هوش فرهنگی است. هوش فرهنگی دامنه ی جدیدی از هوش است که ارتباط بسیاری با محیط های کاری متنوع دارد (قدم پور و همکاران، ۱۳۹۰).

هوش فرهنگی مجموعه ای از مهارت های شناختی اجتماعی است که برای مشارکت و تبادل دانش در گروه های فرهنگی ضروری است. (هرمن و همکاران، ۲۰۰۷). هوش فرهنگی به افراد کمک می کند راهبردهای مناسبی را اتخاذ کنند تا عملکرد بهتری در شغل خود داشته و از سجام اجتماعی بین فرد و محیط کار وی برقرار شود (مالک، کوپر-توماس زیکیچ، ۲۰۱۴). هوش، فرهنگی توانایی مدیران را در برقراری ارتباط و همکاری انگیزشی تسهیل کرده و رفتارهایی را در چهار چوب گفتگو برمی انگیزد که سازگاری رفتاری را موجب می شود (گرو سو همکاران، ۲۰۱۴). هوش فرهنگی به افراد اجازه می دهد تا به شخصیت دهند دیران چگونه فکر می کنند و چگونه به الگوی رفتاری پاسخ می دهند، در نتیجه موانع ارتباطی بین فرهنگی را کاهش و به افراد قدرت مدیریت تنوع فرهنگی می دهد. (رحمانی و تهرانی پور، ۱۳۸۸، به نقل از عسگری، و روشنی، ۱۳۹۱).

مروری بر ادبیات مربوط به هوش فرهنگی نشان دهنده این است که این مفهوم در هزاره سوم میلادی بیشتر مطرح شده و عمومیت یافته و میتواند به عنوان نیازی برای بشر امروزی و گروه های اجتماعی با زمینه های فرهنگی متفاوت قلمداد گردد. در سال های اخیر توجه به هوش فرهنگی به طور روز افزونی افزایش پیدا کرده است که به همین جهت آشنایی با این دانش برای کلیه افرادی که به نحوی با سازمان ها و نیروی انسانی سرو کار دارند ضروری به نظر می رسد. ورود افراد به سازمانها و محیط های کاری متفاوت و جابه جایی های شغلی، آنها را مجاب به آشنایی با فرهنگ های مختلف و فراگیری مهارت های ارتباطی میان فرهنگی کرده است. بر این اساس هوش فرهنگی به عنوان مبنا، یا توانمندی تمرکز بر قابلیت های خاصی که برای روابط شخصی با کیفیت و اثربخش در شرایط فرهنگی مختلف لازم است؛ تلقی می گردد (فرزام فر و همکاران، ۱۳۹۷).

ظاهرا بین هوش و فرایندهای شخصیتی رابطه وجود دارد. هوش، مجموعه ای از ابزار برای رسیدن به بارآوری، اثربخشی، سعادت، رضایت و در نهایت با معنا بودن در زندگی است و شخصیت هر فرد اصلی ترین بعد و ساختار روانشناختی اوست؛ که به شکل گیری سبک زندگی وی کمک میکند. (نصرا صفهانی و اعتمادی، ۱۳۹۱). تحقیقات نشان داده است که عامل شخصیت در بسیاری از موارد نقشی بسیار مهم و قابل توجه دارد. خصوصیات شخصیتی در حقیقت، به عنوان محرک های خلق و خو، برای دستیابی به هدف، تلقی می شوند. به این معنا که این خصوصیات انسان را مستعد انجام رفتارهای مختلف در موقعیت های خاص می نماید (کالیگوری، ۲۰۰۸) به نقل از (قدم پور و همکاران، ۱۳۹۰).

شخصیت از بنیادی ترین مفاهیم روانشناسی است. روانشناسی شخصیت، حوزه ای است که به بررسی ویژگی های فردی اعم از هیجانی و رفتاری می پردازد که معمولاً ثابت و قابل پیش بینی اند و در زندگی روزمره قابل پیگیری هستند (کاپلان و سادوک، ۲۰۰۳). شخصیت به ویژگی های بیرونی و قابل مشاهده فرد اشاره دارد. شخصیت یک فرد، ترکیبی از



خصوصیات روان شناختی (مثل آرام، پرخاشگر، بلند پرواز، وفادار یا اجتماعی) است (علوی، ۱۳۸۱؛ رایبیز، ۲۰۰۳). در جای دیگر ویلکا کاسون و چاتهام به نقل از مک شین و وان گلینو شخصیت را الگوهای نسبتاً ثابت رفتار و حالت های درونی سازگار که تمایلات رفتاری یک شخص را نشان می دهند، می دانند (ویلکو کسان و چاتهام، ۲۰۰۶).

از طرفی عامل های شخصیت می توانند نقش اصلی در پیش بینی ذهن آگاهی و شادکامی ذهنی ایفا کنند (سجادی و موسوی نسب، ۱۳۹۴). و از مفاهیم مهم در بهداشت روان و سلامت روان، مفهوم تفکر مثبت است. افکاری که برای لحظات زندگی خود انتخاب می کنیم نتایجی را مشخص می کند که تجربه خواهیم کرد. اگر تصمیم بگیریم که شاد بیندیشیم، به موفقیت فکر کنیم و مترصد سلامتی باشیم؛ طبیعتاً شادابی و سلامتی را تجربه خواهیم کرد. این ذهنیت مثبت از ما انسان مطمئن تری می سازد تا در برابر نفوذهای بیرونی مقاومت کنیم. از نظر پژوهشگران مبنای مثبت اندیشی و خوش بینی، در عبارتهایی امیدوار کننده یا تجسم موفقیت جای ندارد، بلکه در نحوه تفکر افراد درباره علتها ریشه دارد (حسن زاده و همکاران، ۱۳۹۳).

در تبیین مفهوم مثبت اندیشی انتظارات و تاویلات فرد در مورد اتفاقات و حوادث که در گذشته زمان (گذشته، حال و آینده) و در ارتباط با خود و غیر از خود اتفاق می افتد، بررسی می شود. رابطه نزدیکی که بین مثبت اندیشی و عامل های شخصیتی وجود دارد را چنین می توان تبیین نمود که بر اساس نظریه شیرو کارور (۱۹۸۵) مثبت اندیشی ریشه در طرحواره های دوران کودکی دارد که بر اساس رابطه دلبستگی شکل می گیرد و از طرفی دوران کودکی و رابطه دلبستگی کودک و والد نقش مهمی در شکل گیری شخصیت کودک دارد. از این رو شخصیت و مثبت اندیشی دارای ریشه های مشابهی هستند و هم شخصیت و هم مثبت اندیشی از صفات منحصر به فرد است و باعث تفاوت های فردی می گردد. (کرمانی و خضری مقدم، ۱۳۹۶).

در این دنیای لجام گسیخته کنونی که مادیات، همه چیز را تحت الشعاع قرار داده است، راهیابی به ژرفنای ماهیت انسان، یکی از مهم ترین دغدغه ها و نیازهای اساسی انسان عصر حاضر است. انسان تا نداند کیست و مقصود از آفرینش او چیست، نمی تواند جایگاه بلند خود را در دستگاه عظیم آفرینش باز یابد. این عدم شناخت موجب می شود تا انسان جهان را مجموعه ای سردرگم و پوچ ببیند. در دنیایی که جنگ و خونریزی، فساد و تباهی روبه افزایش است، چیزی جز پشتوانه معنوی، مثبت اندیشی و تغییر و تحول درونی نمی تواند بشر امروزی را از نابسامانی برهاند (حسن زاده و همکاران، ۱۳۹۳).

ادبیات و پیشینه پژوهش :

(لعلی سرابی و همکاران، ۱۳۹۴) در پژوهشی با هدف بررسی رابطه هوش معنوی و هوش فرهنگی با اثربخشی گروهی مطالعه موردی، به این نتیجه رسیدند که بین هوش فرهنگی و مؤلفه های آن استراتژی، دانش، انگیزش و رفتار و همین طور هوش معنوی و مؤلفه های آگاهی متعالی، تفکر وجودی، و هو شیاری با اثربخشی گروهی رابطه معناداری وجود دارد. بعد رفتار در هوش فرهنگی و بعد تفکر وجودی در هوش معنوی بیشترین اثر و ارتباط را با اثربخشی گروهی داشتند.



همچنین در پژوهشی به بررسی رابطه هوش فرهنگی و هوش معنوی با هویت اجتماعی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی اسلام شهر پرداختند. نتایج پژوهشگر بیانگر میزان اثر گذاری مثبت متغیر هوش فرهنگی بر هوش معنوی بوده است. بدین معنا که بایک واحد متغیر در هوش فرهنگی، شاهد افزایش ۰/۳۸ واحدی در هوش معنوی هستیم. این بدان معناست که هوش فرهنگی با هوش معنوی رابطه مستقیم دارد. (فقیه آرام و همکاران، ۱۳۹۷).

(اقبال و سعادی، ۱۳۹۴) در پژوهشی به بررسی رابطه هوش فرهنگی و هوش معنوی با خود کارآمدی در دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد امیدیه پرداختند. نتایج حاصل نشان داد که رابطه هوش فرهنگی و معنوی با خود کارآمدی در سطح $p < 0/0001$ معنادار بود.

(پور سلطانی و همکاران، ۱۳۹۲) در تحقیقی با عنوان ارتباط هوش معنوی و هوش فرهنگی با بهره‌وری کارکنان پژوهشگاه تربیت بدنی و علوم ورزشی به این نتیجه رسیدند که میزان رابطه هوش فرهنگی و بهره‌وری و میزان رابطه هوش معنوی و بهره‌وری نیز تایید شده و در حد قابل قبولی قرار دارد.

پژوهشهای مختلف نشان داده‌اند که بین هوش معنوی و عوامل روان‌شناختی رابطه وجود دارد. به عنوان مثال بوژمهرانی نشان داد که بین هوش معنوی و برخی از اختلالات شخصیتی رابطه وجود دارد. همچنین یافته‌های دیگر بر نقش قابل ملاحظه ویژگی‌های شخصیتی در هوش معنوی افراد تاکید می‌نماید و این ویژگی‌ها را به عنوان یک عامل پیش‌بینی کننده در افزایش هوش معنوی معرفی می‌کنند. به نظر می‌رسد ویژگی‌های شخصیتی با تفاوت‌های فردی در ساخت و ابراز هوش معنوی در ارتباط باشد (نصراصفهانی و اعتمادی، ۱۳۹۱).

می‌توان اینگونه عنوان کرد، هوش معنوی و ویژگی‌های شخصیتی، رابطه معناداری باهم دارند. تحقیقات بسیاری در این رابطه صورت گرفته است که در حیطه ارتباط بین ارزشهای مذهبی و هوش معنوی انجام شده که مقوله‌ی هوش معنوی و تعامل آن با ویژگی‌های شخصیتی منجر به بهبود رابطه بین فردی می‌شود (هادی تبار و همکاران، ۱۳۹۰).

در پژوهشی به بررسی رابطه بین ویژگی‌های شخصیتی با هوش معنوی در بین دانشجویان پژوهشگر و نخبه پرداختند. یافته‌ها نشان داد که تمامی مولفه‌های ویژگی‌های شخصیتی بر روی هوش معنوی تاثیر گذار هستند و به جز مولفه روان‌نژندی که رابطه معکوس با هوش معنوی دارد. مابقی مولفه‌ها ارتباط مستقیم با هوش معنوی دارند (میرزاخانی و همکاران، ۱۳۹۳). یافته‌های این پژوهش با پژوهش‌های (عابدی و سرخی، ۱۳۸۷)، (رقیب و همکاران، ۱۳۸۷)، (نصراصفهانی و اعتمادی، ۱۳۹۱)، (امیری و همکاران، ۲۰۱۱)، (آزاده و توکلی، ۲۰۰۲)، (نصرو همکاران، ۱۳۸۷)، (اسلامی و همکاران، ۲۰۱۳)، (آنترینر و همکاران، ۲۰۱۰) هم راستاست و با یافته‌های پژوهش‌های (کشاورز و همکاران، ۱۳۸۸)، (ساروگلو، ۲۰۰۲)، (استری فلر و مک نال، ۱۹۹۸)، (فیرن لوئیس و فرانسیس، ۲۰۰۳)، (عابدل خالک، ۲۰۱۳) مغایرت دارد. (میرزاخانی و همکاران، ۱۳۹۳).

(نصراصفهانی و اعتمادی، ۱۳۹۱) با هدف تعیین ارتباط بین ویژگی‌های شخصیتی با هوش معنوی و کیفیت زندگی در بین دانشجویان دانشگاه علامه طباطبائی تحقیقی را انجام دادند. یافته‌های بدست آمده از ضریب همبستگی پیرسون، حاکی از وجود همبستگی مثبت معنادار بین هوش معنوی و برونگرایی، دلپذیر بودن، وجدان‌گرایی و تجربه‌پذیری بود اما، بین هوش معنوی و مولفه‌های آن با روان‌نژندی همبستگی منفی معنادار مشاهده شد.



امیری و همکاران (۲۰۱۱) در پژوهشی که بر روی دانشجویان دانشگاه تهران انجام دادند به نتایج مشابهی دست یافتند. هوش فرهنگی، درک ظاهر و باطن افراد از نظر فکری و عملی، بر اساس چارچوب ساختاری چند بعدی فرا شناخت ذهنی، انگیزشی و مهارت‌های کلامی و غیر کلامی است، که موج افزایش توانایی فرد برای کار و تحصیل اثربخش و موفق در محیط‌های فرهنگی متفاوت می‌شود (انگل و نه‌رت، ۲۰۱۳، مورفی، ۲۰۱۳). افراد به میزان متفاوتی، به دلیل تفاوت‌های فردی، از هوش فرهنگی بهره‌مند هستند. لذا محققین به دنبال یافتن پاسخی برای این تفاوت‌ها بودند. با بررسی‌های انجام شده، آنان دریافته‌اند ویژگی‌های شخصیتی ذاتی همچون متغیرهای دموگرافیک (جمعیت شناختی) و ویژگی‌های شخصی اکتسابی در افزایش و کاهش هوش فرهنگی نقش مهمی را برعهده دارند. همچنین هوش فرهنگی به‌خاطر ویژگی‌های شخصیتی متفاوت در افراد بصورت متفاوت وجود دارد (بریس‌لین و همکاران، ۲۰۰۶). تحقیقات نشان داده است، ویژگی‌های شخصیتی با هوش فرهنگی رابطه دارد و هوش فرهنگی جزئی از ویژگی‌های اکتسابی شخصیت است (قدم پورو همکاران، ۱۳۹۰؛ بریس‌لین و همکاران، ۲۰۰۶؛ کروون، ۲۰۰۸؛ دنیل‌جس، ۲۰۱۱؛ بوسا، ۲۰۱۳؛ یکیا و سمرسیوس، ۲۰۱۶؛ شو، مکی و آیمین، ۲۰۱۷). طی دهه‌های گذشته نظریات شخصیتی زیادی در توصیف صفات و ویژگی‌های شخصیتی ارائه شده است. نظریه پنج‌عاملی شخصیت یکی از کاملترین نظریه‌های این حوزه است که دارای پنج ویژگی برون‌گرایی، روان‌رنجوری، توافق‌پذیری، وظیفه‌شناسی و گشودگی می‌باشد. (تان، ۲۰۰۴) معتقد است، جنبه‌های مختلف شخصیت با هوش فرهنگی رابطه دارد، افراد برون‌گرا و تجربه‌پذیر از هوش بالایی برخوردارند. بر اساس مطالعات آنگک، ون و کوه (۲۰۰۶) بین ویژگی‌های شخصیتی وظیفه‌شناسی (وجدان)، سازگاری و ثبات عاطفی، برون‌گرایی و باز بودن تجربه با هوش فرهنگی رابطه وجود دارد. همچنین (ارلی و آنگک، ۲۰۰۶) با ارائه چارچوب نظری در یک شبکه ارتباطی، بر این اعتقادند که ویژگی‌های شخصیتی را به عنوان پیش‌هوش فرهنگی می‌دانند. هوش فرهنگی نیز بر ارتقای قابلیت‌های اجتماعی، فرهنگی و موفقیت افراد در موقعیت‌ها و فضاها متنوع و مختلف موثر است. طبق آنچه که شرح داده شد، شخصیت و ویژگی‌های آن پیش‌بینی‌کننده هوش فرهنگی هستند (انگ و ادیان، ۲۰۰۷). (لیورمورنیز، ۲۰۱۰) با استفاده از مدل نظریه آنگک و داین، ویژگی‌های شخصیتی را عامل پیش‌بینی‌کننده و محرک هوش فرهنگی می‌دانند، به این معنی که ویژگی‌های شخصیتی خصوصاً برون‌گرایی، گشودگی و وظیفه‌شناسی در افزایش هوش فرهنگی نقش بارزی را ایفا می‌کنند. در تحقیقی با عنوان بررسی رابطه بین ویژگی‌های شخصیتی و هوش فرهنگی کارکنان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان لرستان به این نتیجه رسید که بین پنج ویژگی بارز شخصیتی (برون‌گرایی، وظیفه‌شناسی، تطابق‌پذیری، روان‌رنجوری و گشودگی) نسبت به تجربه و هوش فرهنگی رابطه معنادار وجود دارد و ویژگی تطابق‌پذیری، بهترین پیش‌بینی‌کننده هوش فرهنگی است (فرزام‌فرو و همکاران، ۱۳۹۷).

پژوهشی با هدف بررسی ارتباط هوش فرهنگی با ویژگی‌های شخصیتی معلمان مرکز فنی حرفه‌ای شهرستان ممسنی انجام دادند. نتایج نشان داد که بین پنج ویژگی بارز شخصیتی (برون‌گرایی، وظیفه‌شناسی، تطابق‌پذیری، روان‌رنجوری و گشودگی) به تجربه و هوش فرهنگی رابطه معنادار وجود دارد و ویژگی تطابق‌پذیری، بهترین پیش‌بینی‌کننده هوش فرهنگی است. (قدم پورو همکاران، ۱۳۹۰).



مودی، در تحقیق خود نتیجه گرفت که بین ویژگی های شخصیتی و هوش فرهنگی رابطه ی خطی وجود دارد و ویژگی های شخصیتی گشودگی، نسبت به پذیرش تجربه و وظیفه شناسی بهترین پیش بینی کننده، برای هوش فرهنگی هستند (مودی، ۲۰۰۷)، (ون داین و آنگک، ۲۰۰۵)، به این نتیجه رسیدند که بین ویژگی های شخصیتی و مؤلفه های هوش فرهنگی رابطه وجود دارد و مهمترین نتیجه این که گشودگی در کسب تجربه، یکی از مهم ترین ویژگی های شخصیتی است که با هر چهار بعد هوش فرهنگی ارتباط مثبت دارد. نتایج تحقیقاتی که در زمینه ی هوش فرهنگی انجام شد نشان داده است که آن را می توان پیش بینی کننده ی سازگاری فرهنگی و تصمیم گیری موفقیت آمیز و انجام وظایف محوله دانست (ارلی و مو ساکوف سکی، ۲۰۰۴؛ ارلی و آنگک، ۲۰۰۳؛ ون داین و آنگک، ۲۰۰۵) اظهار می دارند علاوه بر آنکه هوش فرهنگی با افزایش فهم ما نسبت به نتایج علمکردهای ما رابطه دارد، با عواملی چون توانایی های عمومی شناختی، هوش عاطفی و گشودگی برای تجربه اندوزی مرتبط است (رحیم نیا و همکاران، ۱۳۸۸).

تحقیقات نشان می دهند که تفاوت های بین فرهنگ های ملی یکی از عوامل تعیین کننده ی نوع رفتار می باشد (بارکر، ۲۰۰۵؛ گرین وهیل، ۲۰۰۵). به نظر رایینز عوامل تعیین کننده ی شخصیت می تواند اثر، محیط و موقعیت باشد. اما افراد به فراخور سه عامل یاد شده دارای خصوصیات یا ویژگی های شخصیتی متفاوتی هستند. همچنین عوامل مختلفی با هوش فرهنگی در ارتباط هستند از جمله ی این عوامل می توان به شخصیت اشاره کرد. (ارلی و آنگک، ۲۰۰۳) اظهار داشتند که تفاوت های فردی نظیر شخصیت فردی می تواند مقدمه و شرط لازم برای هوش فرهنگی باشد. (آنگک، ۲۰۰۶) تأثیر خصوصیات فردی را بر هوش فرهنگی بررسی کرد، نتایج نشان داد که مکانیزم های رفتاری و ویژگی های شخصیتی بر نحوه و انجام کار مؤثرند. شخصیت را می توانیم به عنوان جمع کل راه هایی بدانیم که یک نفر بدان و سیله در برابر دیگران از خود واکنش نشان می دهد، یا روابط متقابل ایجاد می کند (رایینز، ۱۳۸۱). به عقیده ی کالیگوری خصوصیات معین شخصیتی باید با عوامل معین فرهنگی متناسب و هماهنگ باشد. وی طی تحقیقات و توسعه ی تئوری های تکاملی خود، ارتباط بین خصوصیات شخصیتی و تأثیرات فرهنگی را در موفقیت های کاری ثابت کرد. بر اساس مطلب یاد شده به نظرمی رسد که بین ویژگی های شخصیتی و هوش فرهنگی رابطه وجود داشته باشد. (قدم پور و همکاران، ۱۳۹۰).

(کشوری، ۱۳۸۸) در پژوهش خود با عنوان «بررسی رابطه هوش معنوی، مثبت اندیشی و سلامت روانی کارکنان اداره آموزش و پرورش» نشان داد که بین هوش معنوی و مثبت اندیشی رابطه معناداری وجود دارد و همچنین در پژوهشی که (حسن زاده و همکارانش، ۱۳۹۲) در خصوص رابطه هوش معنوی با مثبت اندیشی در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی بابل انجام دادند. نتایج نشان داد که هوش معنوی بر میزان مثبت اندیشی دانشجویان تأثیر گذار بوده است. و هرچه میزان هوش معنوی در دانشجویان افزایش داشته باشد میزان مثبت اندیشی در زندگی ر شد خواهد یافت. همچنین با توجه به نتایج به دست آمده هوش میانجی و پیش بینی کننده خوبی برای مثبت اندیشی می باشد و نیز مثبت اندیشی بالا نشان از بالا بودن هوش معنوی در فرد می باشد.

(صباغ کرمانی و خضری مقدم، ۱۳۹۶) نقش عوامل شخصیتی را در پیش بینی مثبت اندیشی دانشجویان کارشناسی دانشگاه شهید باهنر کرمان را مورد بررسی قرار دادند نتایج رگرسیون نشان داد که شخصیت نقش پیش بین برای مثبت اندیشی دارد. عامل های برون گرایی، مسئولیت پذیری، نوروگرایی و توافق نقش معناداری در پیش بینی مثبت اندیشی



دارند و که شودگی نقش معناداری ندارد. این یافته ها با نتایج مطالعه (شارپ و همکاران، ۲۰۱۱)، (مار شال و همکاران، ۱۹۹۴) و (ملیگان، ۲۰۰۳) هماهنگ هستند که مطرح کردند این عاملها با خوشبینی در ارتباط هستند و نقش معناداری در پیش بینی مثبت اندیشی دارند. نتایج نشان داد که برونگرایی بیشترین سهم را در پیش بینی مثبت اندیشی دارد. همچنین در این تحقیق دومین عاملی که در پیش بینی مثبت اندیشی نقش دارد مسئولیت پذیری است که چنین می توان توجیه کرد که افراد مسئولیت پذیر خود کارآمدی بالاتر دارند و موفقیت های بیشتری کسب می کنند (شفیع زاده، ۱۳۹۱). از طرفی افراد مسئولیت پذیر نسبت به آینده خود احساس مسئولیت بیشتری دارند و مسئولیت رفتار خود را بیشتر قبول می کنند و این یکی از عوامل موثر در مثبت اندیشی است (ابوطالبی احمدی، ۱۳۸۲). عامل دیگری که با مثبت اندیشی در ارتباط است توافق است به عبارتی افرادی که نمرات بالایی در توافق کسب می کنند بیشتر مثبت اندیش هستند (خسرو شاهی و همکاران، ۱۳۹۱). برای عامل گ شودگی نقش معناداری در پیش بینی مثبت اندیشی یافت نشد، به این معنا که با توجه به گ شودگی نمی توان مثبت اندیشی را پیش بینی کرد (عظیم زاده و همکاران، ۱۳۹۰).

اهداف پژوهش:

از آنجایی که هوش معنوی جزو عرصه هایی است که تحقیقات چندان منسجم و نظامندی در جهت شناخت و مولفه های آن صورت نپذیرفته است و هوش فرهنگی مهم ترین توانمندی است که میتوان برای مواجهه مناسب با موقعیت های چند فرهنگی به کار گرفت و در زمینه ارتباط هوش معنوی و هوش فرهنگی با مثبت اندیشی و عاملهای شخصیتی مطالعات کمی صورت گرفته است، از طرفی نتایج مطالعات نشان داده است مثبت اندیشی در بسیاری از بازخوردهای جسمی و روانی مثبت بسیار مهم است و به دست آوردن درک عمیق تر از ارتباط آن با عوامل اساسی شخصیت و بینش نسبت به توان بلقوه خوشبینی اهمیت دارد. بنابراین پژوهش حاضر باهدف بررسی تعیین رابطه بین هوش معنوی و هوش فرهنگی با شخصیت و مثبت اندیشی در زنان و مردان ۲۰ الی ۵۰ ساله طراحی و انجام شد و به دنبال پاسخگویی به این سوال هستیم که آیا بین هوش معنوی و هوش فرهنگی با شخصیت و مثبت اندیشی رابطه وجود دارد؟

فرضیه های پژوهش:

- ۱- بین هوش معنوی و هوش فرهنگی در زنان رابطه وجود دارد.
- ۲- بین هوش معنوی و هوش فرهنگی در مردان رابطه وجود دارد.
- ۳- بین هوش معنوی با ویژگی های شخصیتی در زنان رابطه وجود دارد.
- ۴- بین هوش معنوی با ویژگی های شخصیتی در مردان رابطه وجود دارد.
- ۵- بین هوش فرهنگی با ویژگی های شخصیتی در زنان رابطه وجود دارد.
- ۶- بین هوش فرهنگی با ویژگی های شخصیتی در مردان رابطه وجود دارد.
- ۷- بین هوش معنوی با مثبت اندیشی در زنان رابطه وجود دارد.
- ۸- بین هوش معنوی با مثبت اندیشی در مردان رابطه وجود دارد.
- ۹- بین هوش فرهنگی با مثبت اندیشی در زنان رابطه وجود دارد.



- ۱۰- بین هوش فرهنگی با مثبت اندیشی در مردان رابطه وجود دارد.
- ۱۱- بین ویژگی های شخصیتی با مثبت اندیشی در زنان رابطه وجود دارد.
- ۱۲- بین ویژگی های شخصیتی با مثبت اندیشی در مردان رابطه وجود دارد.

روش پژوهش:

این پژوهش با توجه به ماهیت موضوع تحقیق و از نظر هدف، تحقیقی میدانی و کاربردی است و از نظر کنترل متغیرها، غیر آزمایشی و توصیفی است زیرا روابط بین متغیرها دستکاری نشده است. همچنین این پژوهش از نوع همبستگی بوده و رابطه میان متغیرها بر اساس هدف تحقیق، تحلیل میگردد. جامعه آماری این پژوهش کلیه زنان و مردان ۲۰ الی ۵۰ ساله در شهر تهران در سال ۹۸ می باشد. روش نمونه گیری در پژوهش حاضر، روش تصادفی خوشه ای چند مرحله ای می باشد. در نمونه گیری چند مرحله ای افراد جامعه با توجه به سلسله مراتبی از انواع واحد های جامعه انتخاب می شوند. بنابراین در این پژوهش ابتدا تهران بزرگ را به پنج منطقه شمال، جنوب، مرکز، شرق و غرب تقسیم بندی کرده و از تمامی مناطق، افرادی به طور تصادفی انتخاب شدند و مورد آزمون قرار گرفتند. طبق نظر دانشمندان آمار و روش تحقیق (دکتر دلاور) در پژوهشهایی از نوع همبستگی، حداقل حجم نمونه ۵۰ نفر برای بیان چگونگی رابطه، ضرورت دارد و بنابراین در این پژوهش ۱۵۰ نفر از زنان و ۱۵۰ نفر از مردان به عنوان نمونه انتخاب شدند و به لحاظ ویژگی های جمعیت شناسی از قبیل سن، جنسیت از گروه سنی ۲۰ تا ۳۰ سال ۵۰ نفر مرد و ۵۰ نفر زن، از گروه سنی ۳۰ تا ۴۰ سال ۵۰ نفر مرد و ۵۰ نفر زن و همچنین از گروه سنی ۴۰ تا ۵۰ سال ۵۰ نفر مرد و ۵۰ نفر زن، همتا شدند و به عنوان نمونه انتخاب و به وسیله پرسشنامه های مورد نظر، مورد بررسی قرار گرفتند.

ابزار پژوهش:

در این پژوهش جهت سنجش متغیرهای تحقیق از چهار پرسشنامه استفاده شده است که عبارتند از:

الف) پرسشنامه هوش معنوی کینگ (SISRI):

از جمله ابزارهایی است که برای سنجش هوش معنوی در سال ۲۰۰۸ توسط کینگ طراحی و ساخته شد. این پرسشنامه دارای ۲۴ گویه است و هر چه فرد نمره بالاتری در این پرسشنامه بگیرد دارای هوش معنوی بیشتری است. این پرسشنامه در مجموع چهار زیر مقیاس دارد که عبارتند از: (۱- تفکر وجودی انتقادی (CET) با ۷ سوال، ۲- تولید معنای شخصی (PMP) با ۵ سوال ۳- آگاهی متعالی (TA) با ۷ سوال، ۴- بسط حالت هشیاری (CSE) با ۵ سوال).

روایی و پایایی آزمون: در نسخه انگلیسی این پرسشنامه (کینگ، ۲۰۰۹) آلفای کرونباخ برای کل مقیاس ۰/۹۲ و برای زیر مقیاسهای آن به ترتیب اینگونه به دست آمده است: زیر مقیاس CET دارای آلفای ۰/۷۸، PMP دارای آلفای ۰/۷۸، TA دارای آلفای ۰/۸۷ و CSE دارای آلفای ۰/۹۱ بودند. در یک مطالعه در ایران نیز روایی صوری و محتوایی پرسشنامه بر اساس نظر متخصصان تأیید شد. پایایی ابعاد پرسشنامه نیز به این صورت به دست آمد: تفکر وجودی انتقادی



۰/۷۶، تولید معنای شخصی ۰/۷۸، بسط هوشیاری ۰/۷۲، و آگاهی متعالی ۰/۸۰. پایایی کل پرسشنامه نیز با آلفای کرونباخ ۰/۹۱ به دست آمد (حریری و زرین آبادی، ۱۳۹۰). پایایی آزمون-بازآزمون پرسشنامه نیز در یک مطالعه ۰/۶۷ گزارش شد (خدابخشی کولایی و همکاران، ۱۳۹۲).

نمره گذاری آزمون: همانگونه که اشاره شد پرسشنامه هوش معنوی کینگ (SISRI) دارای ۲۴ ماده است که هر ماده در یک طیف لیکرت از ۰ تا ۴ نمره گذاری می شود. (کاملاً نادرست: نمره ۰، نادرست: نمره ۱، تا حدودی درست: نمره ۲، بسیار درست: نمره ۳، کاملاً درست: نمره ۴). در نهایت فرد نمره‌ای در بین ۰ تا ۹۶ به دست می آورد که نمره بالاتر نشان دهنده هوش معنوی بیشتر است.

(ب) پرسشنامه هوش فرهنگی: این پرسشنامه توسط آننگ و همکاران در سال ۲۰۰۴ طراحی شده است. دارای ۲۰ گویه می باشد و به بررسی چهار عامل می پردازد که عبارت است از: راهبرد یا فرا شناخت که (گویه های ۴-۱)، دانش یا شناخت (گویه های ۱۰-۵)، انگیزشی (گویه های ۱۵-۱۱)، رفتاری (گویه های ۲۰-۱۶).

نمره گذاری آزمون: نمره گذاری بر اساس طیف لیکرت ۵ درجه ای و به صورت زیر است: کاملاً مخالفم: نمره ۱، مخالفم: نمره ۲، نظری ندارم: نمره ۳، موافقم: نمره ۴، کاملاً موافقم: نمره ۵. نمره بین ۲۰ تا ۴۸ نشانگر هوش عاطفی ضعیف در فرد است. نمره بین ۴۸ تا ۷۵ نشانگر هوش عاطفی متوسط در فرد است. نمره بین ۷۵ تا ۱۰۰ نشانگر هوش عاطفی قوی در فرد است.

روایی و پایایی آزمون: در پژوهش (حمیدی و همکاران، ۹۲۱۳) روایی صوری و محتوایی پرسشنامه توسط ۱۲ نفر از اساتید دانشگاهی تایید شد و در یک مطالعه راهنما و با استفاده از ضریب همبستگی آلفای کرونباخ مقدار پایایی پرسشنامه هوش فرهنگی ۰/۷۲ به دست آمد.

(ج) پرسشنامه مثبت اندیشی: این پرسشنامه در سال ۱۹۸۸ توسط اینگرام و وینسکی تهیه شده است. از ۳۰ سوال پنج گزینه ای تشکیل شده است. گزینه همیشه: ۵ نمره، اغلب اوقات: ۴ نمره، گاهی: ۳ نمره، به ندرت: ۲ نمره، هرگز: ۱ نمره، نمره گذاری شده است. و دامنه نمرات ۳۰ تا ۱۵۰ هستند.

روایی و پایایی آزمون: پایایی این آزمون بر اساس آلفای کرونباخ ۰/۹۴ و بر اساس روش دو نیمه کردن ۰/۹۵ محاسبه شد. روایی این آزمون مورد تایید متخصصان بوده است.

(د) پرسشنامه شخصیت گولدرگ: پرسشنامه پنج عامل شخصیتی شامل ۵۰ گویه است که توسط گولدرگ معرفی شده است. این پرسشنامه برای بررسی و ارزیابی کردن ۵ مولفه ی شخصیتی (برونگرایی، توافق، وظیفه شناسی، ثبات هیجانی، گشودگی به تجربه) در افراد به کار می رود. نمره گذاری پرسشنامه بر اساس طیف لیکرت و از عمدتاً نادرست تا عمدتاً درست (عمدتاً نادرست: ۱، تا حدودی نادرست: ۲، نه درست و نه نادرست: ۳، تا حدودی درست: ۴، عمدتاً درست:



۵) امتیازبندی شده است. در این پژوهش منظور از نمره استاندارد شخصیت نمره ای است که فرد به سوالات ۵۰ ماده ای پرسشنامه گلدبرگ می دهد. نمره بالاتر در مولفه ای نشانگر غالب بودن آن شخصیت در فرد است. **روایی و پایایی آزمون:** در پژوهش شریف زاده روایی پرسشنامه شخصیت مطلوب گزارش شده است. همچنین پایایی پرسشنامه با آلفای کرونباخ در پژوهش قربانی بالای ۹۰٪ بدست آمده است.

روش تجزیه و تحلیل داده ها:

داده های خام به دست آمده از ابزارهای پژوهش، با استفاده از نرم افزار آماری SPSS-22 مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. در ابتدا آماره های توصیفی (میانگین و انحراف استاندارد) هر یک از متغیرهای پژوهش ارائه می شود. سپس پیش فرض های آماری لازم به منظور استفاده از آزمون پارامتریک شامل آزمون (k-s) یا (کولموگروف - اسمیرنوف) جهت بررسی نرمال بودن توزیع نمرات گروه نمونه در جامعه، تحلیل گردیده اند. در بخش بعد فر ضحیه های پژوهش با روش آماری ضریب همبستگی پیرسون مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

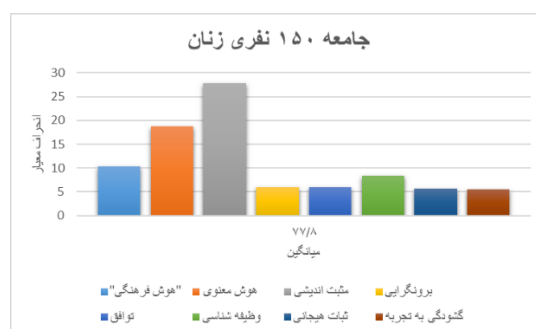


۱- داده های توصیفی:

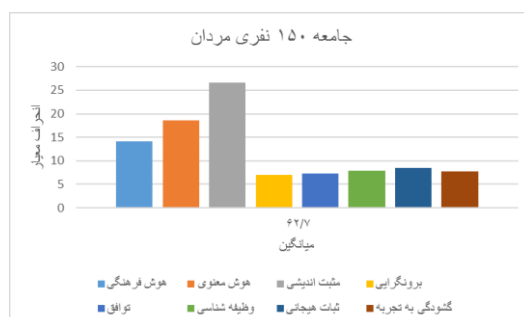
در جداول زیر شاخص های توصیفی شامل میانگین، انحراف معیار متغیرهای پژوهش آورده شده است.

جدول ۱-۱. میانگین و انحراف استاندارد نمرات متغیرهای تحقیق به تفکیک جنسیت

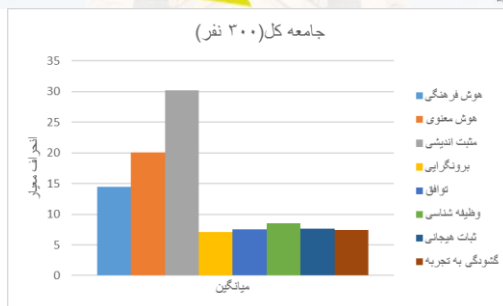
متغیرهای تحقیق	مردان		زنان		کل	
	تعداد	انحراف استاندارد	تعداد	انحراف استاندارد	تعداد	انحراف استاندارد
هوش فرهنگی	۱۵۰	۱۰/۳	۱۵۰	۱۴/۱۱	۳۰۰	۱۴/۴۹
هوش معنوی	۱۵۰	۱۸/۷۵	۱۵۰	۱۸/۵۵	۳۰۰	۲۰/۰۶
مثبت اندیشی	۱۵۰	۲۷/۷۹	۱۵۰	۲۶/۶۳	۳۰۰	۳۰/۲۲
برونگرایی	۱۵۰	۴/۵۴	۱۵۰	۶/۹۷	۳۰۰	۷/۱۴
توافق	۱۵۰	۵/۹	۱۵۰	۷/۳۶	۳۰۰	۷/۵۰
وظیفه شناسی	۱۵۰	۸/۴۴	۱۵۰	۷/۹۶	۳۰۰	۸/۵۲
ثبات هیجانی	۱۵۰	۵/۶۱	۱۵۰	۸/۵۱	۳۰۰	۷/۵۹
کشودگی به تجربه	۱۵۰	۵/۵۵	۱۵۰	۷/۸۱	۳۰۰	۷/۴۰



نمودار ۱-۱ میانگین و انحراف استاندارد نمره های متغیرهای تحقیق در زنان



نمودار ۲-۱ میانگین و انحراف استاندارد نمره های متغیرهای تحقیق در مردان



نمودار ۱-۳ میانگین و انحراف استاندارد نمره های متغیرهای تحقیق در جامعه آماری کل پژوهش

جدول ۱-۲ آزمون کلموگروف اسمیرینف

متغیرهای تحقیق	مردان		زنان	
	مقدار آماره	سطح معنی داری	مقدار آماره	سطح معنی داری
هوش فرهنگی	۰/۱۹	۰/۰۶	۰/۲	۰/۰۶
هوش معنوی	۰/۲	۰/۰۷	۰/۳۳	۰/۰۵
مثبت اندیشی	۰/۱۱	۰/۱۱	۰/۲۸	۰/۰۹
پروتگرایی	۰/۲۳	۰/۳	۰/۱۵	۰/۱
توافق	۰/۱۷	۰/۰۸	۰/۱۲	۰/۰۷
وظیفه شناسی	۰/۲۹	۰/۰۹	۰/۲۴	۰/۰۸
ثبات هیجانی	۰/۱۸	۰/۱۲	۰/۲	۰/۲
گشودگی به تجربه	۰/۲۴	۰/۲	۰/۳۲	۰/۱

۲- یافته های استنباطی:

فرضیه ۱: بین هوش معنوی و هوش فرهنگی در زنان رابطه وجود دارد.

جدول ۱-۲ آزمون ضریب همبستگی رابطه بین هوش معنوی و هوش فرهنگی در زنان

تعداد	مقدار r	سطح معنی داری
۱۵۰	۰/۹۱	۰/۰۰۰

با توجه به سطح معنی داری که کوچکتر از ۰/۰۵ می باشد می توان بیان داشت بین هوش معنوی و هوش فرهنگی در زنان رابطه وجود دارد و جهت رابطه مثبت و مستقیم است یعنی با افزایش یا کاهش هوش معنوی هوش فرهنگی نیز افزایش یا کاهش می یابد.

فرضیه ۲: بین هوش معنوی و هوش فرهنگی در مردان رابطه وجود دارد

جدول ۲-۲ آزمون ضریب همبستگی رابطه بین هوش معنوی و هوش فرهنگی در مردان

تعداد	مقدار r	سطح معنی داری
۱۵۰	۰/۷۹	۰/۰۰۰



با توجه به سطح معنی داری که کوچکتر از $0/05$ می باشد می توان بیان داشت بین هوش معنوی و هوش فرهنگی در مردان رابطه وجود دارد و جهت رابطه مثبت و مستقیم است یعنی با افزایش یا کاهش هوش معنوی هوش فرهنگی نیز افزایش یا کاهش می یابد.

فرضیه ۳: بین هوش معنوی با ویژگیهای شخصیتی در زنان رابطه وجود دارد.

جدول ۲-۳ آزمون ضریب همبستگی رابطه بین هوش معنوی با ویژگیهای شخصیتی در زنان

تعداد	برونگرایی	توافق	وظیفه شناسی	ثبات هیجانی	گشودگی به تجربه
۱۵۰	۱۵۰	۱۵۰	۱۵۰	۱۵۰	۱۵۰
مقدار r	۰/۹۶	۰/۹۵	۰/۸۶	۰/۹۲	۰/۸۹
سطح معنی داری	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰

با توجه به سطح معنی داری که کوچکتر از $0/05$ می باشد می توان بیان داشت بین هوش معنوی با ویژگیهای شخصیتی در زنان رابطه وجود دارد و جهت رابطه مثبت و مستقیم است یعنی با افزایش یا کاهش هوش معنوی، ویژگیهای شخصیت نیز افزایش و یا کاهش می یابد و تمامی مولفه های شخصیت بر هوش معنوی در زنان تاثیر گذار هستند.

فرضیه ۴: بین هوش معنوی با ویژگیهای شخصیتی در مردان رابطه وجود دارد.

جدول ۲-۴ آزمون ضریب همبستگی رابطه بین هوش معنوی با ویژگیهای شخصیتی در مردان

تعداد	برونگرایی	توافق	وظیفه شناسی	ثبات هیجانی	گشودگی به تجربه
۱۵۰	۱۵۰	۱۵۰	۱۵۰	۱۵۰	۱۵۰
مقدار r	۰/۶۷	۰/۲۶	۰/۵۱	۰/۴۷	۰/۴۳
سطح معنی داری	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰

با توجه به سطح معنی داری که کوچکتر از $0/05$ می باشد می توان بیان داشت بین هوش معنوی با ویژگیهای شخصیتی در مردان رابطه وجود دارد و جهت رابطه مثبت و مستقیم است یعنی با افزایش یا کاهش هوش معنوی، ویژگیهای شخصیت نیز افزایش و یا کاهش می یابد تمامی مولفه های شخصیت بر هوش معنوی در مردان تاثیر گذار هستند.

فرضیه ۵: بین هوش فرهنگی با ویژگیهای شخصیتی در زنان رابطه وجود دارد.

جدول ۲-۵ آزمون ضریب همبستگی رابطه بین هوش فرهنگی با ویژگیهای شخصیتی در زنان

تعداد	برونگرایی	توافق	وظیفه شناسی	ثبات هیجانی	گشودگی به تجربه
۱۵۰	۱۵۰	۱۵۰	۱۵۰	۱۵۰	۱۵۰
مقدار r	۰/۸۸	۰/۹۲	۰/۹۴	۰/۹۴	۰/۹۶
سطح معنی داری	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰



با توجه به سطح معنی داری که کوچکتر از ۰/۰۵ می باشد می توان بیان داشت بین هوش فرهنگی با ویژگیهای شخصیتی در زنان رابطه وجود دارد و جهت رابطه مثبت و مستقیم است یعنی با افزایش یا کاهش هوش فرهنگی، ویژگیهای شخصیت نیز افزایش و یا کاهش می یابد و تمامی مولفه های شخصیت بر هوش فرهنگی در زنان تاثیر گذار هستند. فرضیه ۶: بین هوش فرهنگی با ویژگیهای شخصیتی در مردان رابطه وجود دارد.

جدول ۲-۶ آزمون ضریب همبستگی رابطه بین هوش فرهنگی با ویژگیهای شخصیتی در مردان

تعداد	برونگرایی	توافق	وظیفه شناسی	تبات هیجانی	گشودگی به تجربه
۱۵۰	۱۵۰	۱۵۰	۱۵۰	۱۵۰	۱۵۰
۰/۷۶	۰/۷۶	۰/۵۵	۰/۵۵	۰/۵۶	۰/۶۲
سطح معنی داری	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰

با توجه به سطح معنی داری که کوچکتر از ۰/۰۵ می باشد می توان بیان داشت بین هوش فرهنگی با ویژگیهای شخصیتی در مردان رابطه وجود دارد و جهت رابطه مثبت و مستقیم است یعنی با افزایش یا کاهش هوش فرهنگی، ویژگیهای شخصیت نیز افزایش و یا کاهش می یابد. و تمامی مولفه های شخصیت بر هوش فرهنگی در مردان تاثیر گذار هستند. فرضیه ۷: بین هوش معنوی با مثبت اندیشی در زنان رابطه وجود دارد.

جدول ۲-۷ آزمون ضریب همبستگی رابطه بین هوش معنوی و مثبت اندیشی در زنان

تعداد	مقدار r	سطح معنی داری
۱۵۰	۰/۹۱	۰/۰۰۰

با توجه به سطح معنی داری که کوچکتر از ۰/۰۵ می باشد می توان بیان داشت بین هوش معنوی و مثبت اندیشی در زنان رابطه وجود دارد و جهت رابطه مثبت و مستقیم است یعنی با افزایش یا کاهش هوش معنوی مثبت اندیشی نیز افزایش یا کاهش می یابد. مثبت اندیشی بالادر زنان نشان از هوش معنوی بالا می باشد و هوش معنوی میانجی و پیش بینی کننده خوبی برای مثبت اندیشی در زنان می باشد. فرضیه ۸: بین هوش معنوی و مثبت اندیشی در مردان رابطه وجود دارد.

جدول ۲-۸ آزمون ضریب همبستگی رابطه بین هوش معنوی و مثبت اندیشی در مردان

تعداد	مقدار r	سطح معنی داری
۱۵۰	۰/۸۶	۰/۰۰۰

با توجه به سطح معنی داری که کوچکتر از ۰/۰۵ می باشد می توان بیان داشت بین هوش معنوی و مثبت اندیشی در مردان رابطه وجود دارد و جهت رابطه مثبت و مستقیم است یعنی با افزایش یا کاهش هوش معنوی مثبت اندیشی نیز افزایش یا



کاهش می یابد. مثبت اندیشی بالادرمردان نشان از هوش معنوی بالا می باشد و هوش معنوی میانجی و پیش بینی کننده خوبی برای مثبت اندیشی در مردان می باشد.

فرضیه ۹: بین هوش فرهنگی با مثبت اندیشی در زنان رابطه وجود دارد.

جدول ۲-۹ آزمون ضریب همبستگی رابطه بین هوش فرهنگی و مثبت اندیشی در زنان

تعداد	مقدار r	سطح معنی داری
۱۵۰	۰/۹۹	۰/۰۰۰

با توجه به سطح معنی داری که کوچکتر از ۰/۰۵ می باشد می توان بیان داشت بین هوش فرهنگی و مثبت اندیشی در زنان رابطه وجود دارد و جهت رابطه مثبت و مستقیم است یعنی با افزایش یا کاهش هوش فرهنگی مثبت اندیشی نیز افزایش یا کاهش می یابد.

فرضیه ۱۰: بین هوش فرهنگی و مثبت اندیشی در مردان رابطه وجود دارد.

جدول ۲-۱۰ آزمون ضریب همبستگی رابطه بین هوش فرهنگی و مثبت اندیشی در مردان

تعداد	مقدار r	سطح معنی داری
۱۵۰	۰/۶۳	۰/۰۰۰

با توجه به سطح معنی داری که کوچکتر از ۰/۰۵ می باشد می توان بیان داشت بین هوش فرهنگی و مثبت اندیشی در مردان رابطه وجود دارد و جهت رابطه مثبت و مستقیم است یعنی با افزایش یا کاهش هوش فرهنگی مثبت اندیشی نیز افزایش یا کاهش می یابد.

فرضیه ۱۱: بین ویژگیهای شخصیتی با مثبت اندیشی در زنان رابطه وجود دارد.

جدول ۲-۱۱ آزمون ضریب همبستگی رابطه بین ویژگیهای شخصیتی و مثبت اندیشی در زنان

ویژگی های شخصیت مثبت اندیشی	برونگرایی	توافق	وظیفه شناسی	تبات هیجانی	گشودگی به تجربه
تعداد	۱۵۰	۱۵۰	۱۵۰	۱۵۰	۱۵۰
مقدار r	۰/۸۸	۰/۹۲	۰/۹۲	۰/۹۳	۰/۹۷
سطح معنی داری	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰

با توجه به سطح معنی داری که کوچکتر از ۰/۰۵ می باشد می توان بیان داشت بین ویژگیهای شخصیتی با مثبت اندیشی در زنان رابطه وجود دارد و جهت رابطه مثبت و مستقیم است یعنی با افزایش یا کاهش ویژگیهای شخصیت، مثبت اندیشی نیز افزایش و یا کاهش می یابد. شخصیت و مولفه های آن نقش پیش بین برای مثبت اندیشی در زنان دارد.

فرضیه ۱۲: بین ویژگیهای شخصیتی و مثبت اندیشی در مردان رابطه وجود دارد.



جدول ۲-۱۲ آزمون ضریب همبستگی رابطه بین ویژگیهای شخصیتی و مثبت اندیشی در مردان

ویژگی های شخصیت مثبت اندیشی	برونگرایی	توافق	وظیفه شناسی +	ثبات هیجانی	گشودگی به تجربه
تعداد	۱۵۰	۱۵۰	۱۵۰	۱۵۰	۱۵۰
مقدار r	۰/۶۷	۰/۶۱	۰/۶۲	۰/۶۲	۰/۴۶
سطح معنی داری	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰

با توجه به سطح معنی داری که کوچکتر از ۰/۰۵ می باشد می توان بیان داشت بین ویژگیهای شخصیتی با مثبت اندیشی در مردان رابطه وجود دارد و جهت رابطه مثبت و مستقیم است یعنی با افزایش یا کاهش ویژگیهای شخصیت، مثبت اندیشی نیز افزایش و یا کاهش می یابد. شخصیت و مولفه های آن نقش پیش بین برای مثبت اندیشی در مردان دارد.

بحث و نتیجه گیری:

با توجه به نتایج به دست آمده در پژوهش حاضر، بین هوش معنوی و فرهنگی هم در زنان و هم در مردان رابطه مستقیم و مثبت معنادار وجود دارد. با افزایش و کاهش هر کدام، دیگری نیز کاهش یا افزایش می یابد. در این خصوص یافته های این پژوهش با پژوهش های (علی سرابی و همکاران، ۱۳۹۴)، (فقیه آرام و همکاران، ۱۳۹۷)، (اقبالی و صعادی، ۱۳۹۴)، (پور سلطانی و همکاران، ۱۳۹۲) هم را ستا است. همچنین یافته های پژوهش حاضر نشان داد؛ که بین هوش معنوی و شخصیت در تمامی مولفه های آن (برون گرایی، توافق، وظیفه شناسی، ثبات هیجانی، گشودگی به تجربه) هم در مردان و هم در زنان رابطه مستقیم و مثبت معنادار وجود دارد و تمامی مولفه های شخصیت بر هوش معنوی تاثیر گذار هستند؛ که با پژوهشهای (میرزاخانی و همکاران، ۱۳۹۳)، (امیری و همکاران، ۲۰۱۱)، (اسلامی و همکاران، ۲۰۱۳)، (آنتینر و همکاران، ۲۰۱۰)، (هادی تبار و همکاران، ۱۳۹۰)، (ذ صرا صفهانی و اعتمادی، ۱۳۹۱)، (رقیب و همکاران، ۱۳۸۷) و (عابدی و سرخی، ۱۳۸۷) هم را ستا است و با یافته های پژوهش های (کشاوری و همکاران، ۱۳۸۸)، (سارگلو، ۲۰۰۲)، (استری فلر و مک نالی، ۱۹۹۸)، (فیرن لوئیس و فرا سیس، ۲۰۰۳) و (عابدی و خالک، ۲۰۱۳) مغایرت دارد. در پژوهش حاضر تحقیقات نشان داد که بین هوش فرهنگی و شخصیت در تمامی مولفه های آن هم در زنان و هم در مردان رابطه مستقیم و مثبت معنادار وجود دارد و شخصیت و مولفه های آن در کاهش یا افزایش هوش فرهنگی نقش بارزی ایفا می کنند. این نتیجه با پژوهشهای (قدم پور و همکاران، ۱۳۹۰)، (فرزام فروهمکاران، ۱۳۹۷)، (بو سا، ۲۰۱۳)، (یکیا و سمسر سیوس، ۲۰۱۶)، (شومکبی و آیمنی، ۲۰۱۷)، (دنیجس، ۲۰۱۱)، (لیور مونیز، ۲۰۱۰)، (برسلین و همکاران، ۲۰۰۶)، (کرون، ۲۰۰۸)، (مودی، ۲۰۰۷)، (آننگ و همکاران، ۲۰۰۶) و (آننگ و دایان، ۲۰۰۷) مطابقت دارد. یافته های پژوهش حاضر بیانگر این نیز بوده است که بین هوش معنوی با مثبت اندیشی در زنان و مردان رابطه مستقیم و مثبت معنادار وجود دارد. هرچه میزان هوش معنوی افزایش یابد، میزان مثبت اندیشی در زندگی رشد خواهد یافت و هوش معنوی میانجی و پیش بینی کننده خوبی برای مثبت اندیشی است که این یافته های تحقیق نیز با یافته های پژوهش (حسن زاده و همکاران، ۱۳۹۲) و (کشوری، ۱۳۸۸) هم را ستا است. همچنین در پژوهش حاضر این نتیجه به دست آمد که بین هوش فرهنگی و مثبت اندیشی در زنان و مردان رابطه مستقیم و مثبت معنادار وجود دارد. هوش فرهنگی بالا موجب افزایش مثبت اندیشی در افراد میشود و بر عکس پایین بودن هوش فرهنگی موجب کاهش مثبت اندیشی در افراد میشود. در خصوص این یافته



پژوهش تحقیقات خاصی صورت نگرفته است که بتوانیم نتیجه را با نتایج پژوهشهای دیگر مقایسه کنیم. اما پژوهش حاضر نشان داد که بین شخصیت و مثبت اندیشی رابطه مستقیم و مثبت معنادار وجود دارد. شخصیت و مولفه های آن نقش پیش بین برای مثبت اندیشی را دارند. که این نتیجه با یافته های پژوهشهای (کرمانی و خضری مقدم، ۱۳۹۶)، (مارتین و روت، ۲۰۱۱)، (شفیع زاده، ۱۳۹۱)، (خسرو شاهی و همکاران، ۱۳۹۱)، (عظیم زاده و همکاران، ۱۳۹۰)، (ابوطالبی احمدی، ۱۳۸۲)، (مگیان، ۲۰۰۳)، (مارشال و همکاران، ۱۹۹۴) هم راستا می باشد.

پیشنهادات:

۱- پیشنهادات پژوهشی:

- با توجه به اینکه نیاز به پژوهش های مشابه بر روی نمونه دیگر با سنین متفاوت و هر دو جنس احساس می شود به پژوهشگران توصیه می شود به منظور دستیابی به یک نتیجه قطعی تر به انجام پژوهش های مشابه اقدام نمایند.

- به پژوهشگران پیشنهاد می شود در تحقیقات آینده، علاوه بر پرسشنامه از مصاحبه و مشاهد نیز استفاده کنند، تا دستیابی به یک نتیجه قطعی تر میسر گردد.

- پیشنهاد می شود در پژوهش های آتی متغیرهای پژوهش در ابعاد گسترده تر مورد نظر قرار بگیرد تا بتوان به نتایج مناسبی دست یافت، و نتایج حاصل را به کل استان های کشور براساس شرایط اقلیمی، اقتصادی و فرهنگی-اجتماعی تعمیم داد.

۲- پیشنهادات کاربردی:

- با توجه به نتایج بدست آمده پیشنهاد می گردد با در نظر گرفتن و برگزاری دوره های ویژه و آموزش های مناسب و مستمر، نسبت به افزایش هوش معنوی و مثبت اندیشی افراد و تقویت ارزش های دینی آنان اقدام گردد تا بدین وسیله موجبات افزایش آگاهی و سلامت روانی بهبود کیفیت زندگی آن ها فراهم شود. همچنین با توجه به اینکه هدف هوش فرهنگی توانایی در تعامل و پاسخگویی به موقعیتهای فرهنگی مختلف، بدون از دست دادن هویت اصلی است. و تغییر در رفتار در هنگام کارکردن با افراد مختلف در محیطهای فرهنگی نیازمند شناخت است بنابراین آموزشهای لازم در خصوص افزایش هوش فرهنگی در افراد و ایجاد روابط موثر در آنها انجام شود.

- با توجه به نتایج بدست آمده از پژوهش حاضر، پیشنهاد می شود، سازمان ها، نهادها و مؤسسات در جهت گیری پژوهش های خود به این امر توجه ویژه ای مبذول دارند. مسلماً با بهره گیری از حمایت های انسانی و مالی بیشتر می توان این موضوع را از ابعاد مختلف مورد توجه قرار داد و بسیاری از محدودیت ها را رفع نمود. همچنین انجام پژوهش هایی از طرف سازمان ها می تواند کاربرد یافته را در سطحی گسترده ممکن سازد.



منابع:

- فقیه، آرام؛ مرادی، سعید و کاظمی، منصوره (۱۳۹۷). ارتباط هوش فرهنگی و هوش معنوی با هویت اجتماعی دانشجویان، فصلنامه علمی و ترویجی از دیدگاه اسلام، سال ششم، شماره ۱۱.
- اقبالی، مژگان و افتخاری صغادی، زهرا (۱۳۹۴). رابطه هوش فرهنگی و هوش معنوی با خود کار آمدی در دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد امیدیه، مجله روان‌شناسی اجتماعی، سال دهم، شماره ۳۶.
- میرزاخانی، پرویز؛ دلور، علی و مکوندی، بهنام (۱۳۹۳). بررسی رابطه بین ویژگی‌های شخصیتی باهوش معنوی در اعضاء با شگاه پژوهشگران جوان و نخبگان دانشگاه آزاد اسلامی، فصل‌نامه علمی و پژوهشی ابتکار و خلاقیت در علوم انسانی، دوره چهارم، شماره ۱.
- قدم‌پور، عزت‌الله؛ مهرداد، حسین و جعفری، حسنعلی (۱۳۹۰). بررسی رابطه بین ویژگی‌های شخصیتی و هوش فرهنگی کارکنان میراث فرهنگی، صنایع دستی نوگرددشگری استان لرستان، فصلنامه روان‌شناسی تربیتی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تنکابن، سال دوم، شماره اول.
- فرزام‌فر، صبا؛ سبحانی، ایوب؛ سبحانی و حیدری، دانیال (۱۳۹۷). رابطه هوش فرهنگی با ویژگی‌های شخصیتی معلمان مرکز فنی حرفه‌ای شهرستان ممسنی، چهارمین سمپوزیم بین‌المللی علوم تربیت.
- اسماعیل‌پور، رضا و رمضانی دستک، مرتضی (۱۳۹۶). تبیین نقش میانجی هوش فرهنگی در ارتباط میان ویژگی‌های شخصیتی و سبک‌های رهبری مدیران سازمان‌های دولتی استان گیلان فصلنامه مطالعات رفتار سازمانی، سال ششم، شماره ۳.
- امیدیان، فرانک و علیپور، ندا (۱۳۹۶). نقش واسطه‌ای هوش فرهنگی در رابطه بین ویژگی‌های شخصیتی با مهارت‌های اجتماعی و پیشرفت تحصیلی دانشجویان، پژوهش‌های روانشناسی اجتماعی، شماره ۲۷.
- حسن‌زاده، رمضان و همکاران (۱۳۹۳). رابطه هوش معنوی با مثبت‌اندیشی در دانشجویان علوم پزشکی بابل، فصلنامه دین و سلامت، دوره دوم، شماره ۱.
- صباغ کرمانی، لیدا و خضری مقدم، نوشیروان (۱۳۹۶). نقش عادل‌های شخصیت در پیش‌بینی مثبت‌اندیشی دانشجویان رشته روانشناسی، مجموعه مقالات ششمین کنگره انجمن روانشناسی ایران، شماره ۱۲، ویرنامه ۱۰۳۰-۱۰۳۴.
- رئیس‌ی، مژگان (۱۳۹۶). بررسی رابطه بین هوش معنوی و هوش فرهنگی با شخصیت زندگی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد.
- علوی، سید امین (۱۳۸۶). روان‌شناسی مدیریت و سازمان «رفتار سازمانی»، انتشارات مرکز آموزش مدیریت دولتی.
- قدم‌پور، عزت‌الله؛ مهرداد، حسین و جعفری، حسنعلی (۱۳۹۰). بررسی رابطه میان ویژگی‌های شخصیتی و هوش فرهنگی کارکنان سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان لرستان. فصلنامه روانشناسی تربیتی، سال دوم، شماره ۶.
- لعلی سرابی، ا؛ شکری، ص؛ و بنی‌فاطمه، ز (۱۳۹۴). بررسی رابطه هوش معنوی و هوش فرهنگی با اثربخشی گروهی (مطالعه موردی: استانداری آذربایجان غربی). همایش سراسری مباحث کلیدی در علوم مدیریت و حسابداری.
- هادی‌تبار، حمیده؛ نوابی‌نژاد، شکوه؛ احقر، قدسی (۱۳۹۰). بررسی تأثیر آموزش مؤلفه‌های هوش معنوی بر کیفیت زندگی هم‌سران جانباز شاغل به تحصیل در مدارس بزرگسالان شهر تهران. حوزه سلامت: طب جانباز، شماره ۱۴-علمی-پژوهشی.
- رقیب، مانده؛ احمدی، سیادت، علی (۱۳۸۷). تحلیل میزان هوش معنوی دانشجویان دانشگاه اصفهان و ارتباط آن با ویژگی‌های جمعیت شناختی، پژوهشنامه مطالعات روانشناسی تربیتی، شماره ۸.
- عابدی، فرشته؛ سرخی، زهرا (۱۳۸۷). رابطه بین هوش معنوی و صفات شخصیت در بین افراد ۵۰-۱۹ ساله شهر ساری. پایان‌نامه رشته روانشناسی عمومی دانشگاه پیام نور مرکز بهشهر.
- ک‌شاورز، امیر؛ شاه‌نظری، مهدی و کلانتری، مهرداد (۱۳۸۸). رابطه بین ویژگی‌های شخصیتی با عمل به باورهای دینی در دانشجویان. دو فصلنامه علمی تخصصی مطالعات اسلام و روانشناسی. س ۳ ش ۴، بهار و تابستان (۱۳۸۸).
- نصرا صفهانی، نرگس؛ اعتمادی، احمد (۱۳۹۱). رابطه ویژگی‌های شخصیتی باهوش معنوی و کیفیت زندگی در دانشجویان دانشگاه علامه طباطبایی، پژوهش و سلامت.



- پور سلطانی، ح سین؛ میرزایی، فهیمه و زارعیان، ح سین. (۱۳۹۲). ارتباط هوش مصنوعی با هوش فرهنگی با بهره‌وری کارکنان پژوهشگاه، تربیت بدنی، علوم ورزشی، مطالعات ورزشی.

- Brislin, R.; R. Worthely, R., McNab, B. (2006). Cultural intelligence: understanding Behaviors that Serve people's Goals. *Group and organization. Management*. 31(1). 40- 55.
- Crowne, K. A. (2008) what leads to Cultural intelligence. *Business Horizons*. 51, 391-399. Danijelas, P. (2011) How do teachers perceive their Cultural intelligence? *Procedia Social and Behavioral Sciences*, 11, 276-80.
- Tan, J., S. (2004). Issues & observations: Cultural intelligence and the Global Economy, *Leadership in Action*, 24 (5) ,2-24.
- Yeke, S., Semerciöz, F. (2016) Relationships between personality traits, cultural intelligence and intercultural communication competence. *Social and Behavioral Sciences*, 235 (2016) 313 – 319
- Kaplan, HI. & Sadock, BJ. (2003). *Synopsis of Psychiatry*. 9th Ed, Williams and Wilkins
- Komarraju, M., Karau, S. J., Ronald, R. & Schmeck, A. (2011). The Big Five personality traits, learning styles, and academic achievement. *Journal of Personality and Individual Differences*, 12 (2), 472-477.
- Wilkoxon, L. & Chatham, R. (2006). Testing the Accuracy of the Stereotype: Profiling IT Managers Personality and Behavioral Characteristics. *Journal of Information and Management*, 43 (3) ,697-.507
- Robbins, S. P. (2003). *Essentials Of Organizational Behavior*. 7th ed. San Diego State University: prentice Hall.
- Ang, S., Dyne, L.V. & O O Koh, C. (2006). personality correlates of the Four- Factor model of cultural intelligence. *Group & organization management*, 31 (1). 100-1230.
- Botha, N. (2013) The effect of identity and personality on cultural intelligence among a group of young South. Master dissertation submitted to North-West University (Potchefstroom Campus).
- Livermore, D (2010) The cultural intelligence differences master the one skill you cant do without in today global economy. www.amacombooks.org
- Shu, F, Macbee, S, T., Ayman, R. (2017) The HEXACO personality traits, cultural intelligence, and international student adjustment. *Personality and individual differences*, 106, 21-25.
- Murphy, L., Solauye, A. (2013). Evaluating the Impact of Two Globalization Projects on College Student's Cultural Competence and Cultural intelligence (CQ). *The Journal of Effective Teaching* .13 (1). 5-18.
- Triandis, Harry C. (2004). The many dimensions of culture. *Academy of Management Executive*, 18 (1).
- Triandis, Harry C. (2006). Cultural Intelligence in Organizations, *Group and Organization Management*, Vole 32, No.1, 20-26.
- Groves, K.s., Feyerherm, a., Gu, M. (2014). Examining Cultural Intelligence and Cross-cultural Negotiation Effectiveness. *Journal of Management Education*. 38(3).
- Hermann, E., Call, E. Hernandez-lloreda, M. V., Brain Hare, B., & Tomasello, M. (2007). Humans Have Evolved Specialized Skills of Social Cognition: the Cultural Intelligence Hypothesis. *Science*, Vol 317 (5843), 1360-1366.
- Malik, a. R., Cooper-thomas, H. D., & Zikic, J. (2014). The Neglected Role of Cultural Intelligence in Recent Immigrant Newcomers' Socialization. *International Journal of Cross Cultural Management*, 14, 2, 195-213.
- Moody, M. C. (2007). The Relationship between cultural intelligence factor and big five personality traits, The George Washington University
- Van Dyne, Lin - Ang, Soon. (2005). *Cultural Intelligence: An Essential Capability for Individuals in Contemporary Organizations*, Global Edge. Msu. Edu.
- Ang, S. (2006). *Personal communication* with author, Washington. DC, February 17.
- Amrai K, Farhani A, Ebrahimi M, Bagheriyan V. Relationship between personality traits and spiritual intelligence among university students. *Social and Behavioral Sciences* 2011; 15: 609–612.
- Abdel-Khalek, Ahmed. M. (2013). "Personality dimensions and religiosity among Kuwaiti Muslim college students", *Personality and Individual Differences*, Volume 54, Issue 2, Pages 149-152.
- Eslami Farsani, Maryam; Arofzad Shahram; Agha Hosaini, Taghi. (2013). "The study of relationship between spiritual intelligence with personality traits among physical education managers in Isfahan province". *Pelagia Research Library Advances in Applied Science Research* (2013). 4(4):140-144
- Fearn, M, Lewis, C. A & Francis, L. J (2003). "Religion and personality among religious studies student: A replication", *Psychological Reports*, 93, p.819-822.
- Francis, L. J & Katz, Y. J (1992), "The relationship between personality and religiosity in an Israeli sample", *Journal for the Scientific Study of Religion*, 31, p.153-162.
- Unterrainer, H. F. Ladenhauf, K. H. Moazedi, M. L. Wallner-Liebmann, S. J. Fink, A. (2010). "Dimensions of Religious/Spiritual Well-Being and their relation to Personality and Psychological Well-Being", *Personality and Individual Differences*, Volume 49, Issue 3, Pages 192-197.



- Streyffeler, L.L & McNally, R. J (1998). "Fundamentalists and liberals: Personality characteristics of protestant Christians", *Personality and Individual Difference*, 24, p.579-580.
- Saroglou, V (2002). "Beyond dogmatism: The need for closure as related to religion", *Mental Health, Religion & Culture*, 5, p.183-194.
- Keshvari S, Spiritual intelligence, positive thinking and mental health staff education, master's thesis, University of Sari Islamic Azad. 2008;132 (Persian)